

علم، دانش و اعتقاد دینی

در محتوای دروس علوم انسانی

اسدالله کارنما*

چکیده

محتوای دروس علوم انسانی همچون سایر علوم باید به گونه‌ای طراحی شوند که بتوانند از یک سو گزاره‌های منطقی و دقیق تولید کنند و از سوی دیگر متناسب با بستر فکر- و فرهنگی جامعه باشند. با این تعبیر علم نمی‌تواند بدون اقناع و توجیه عقلانی جامعه علمی متکی به اصول انتزاعی، غیرواقعی و یا شخصی باشد. این مقاله به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که امکان وجود عینیت علمی^۱ بعنوان یکی از مهمترین شاخص‌های علم در حوزه علوم انسانی در محتوای دروس این رشته از منظر دستگاه- های معرفتی مختلف اعم از پوزیتیویسم، هرمنوتیک و عقلانیت انتقادی چه جایگاهی دارد؟ مقاله حاضر با توسل به شواهد نظری به نقد سنت پوزیتیویستی که معتقد به عدم وجود علم انسانی بومی است می‌پردازد؛ زیرا پدیده انسان همچون شئی در بیرون از محقق قرار نمی‌گیرد و برخلاف علوم تجربی که الگویی جهان‌شمول در دنیا دارند لازم است علوم انسانی برپایه اصول بومی و اجتماعی مطالعه شوند. در مقابل این رویکرد هرمنوتیک قرار دارد که به دسته‌بندی علوم از حیث اهداف و ابزار می‌پردازد. از آنجا که علم در خدمت انسان است و نه برعکس؛ لذا محتوای دروس در رشته‌های علوم انسانی

*. عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان assadollahkarnema@yahoo.com

1. Academic objectivity

با توجه به نیازهای بومی صورتبندی می‌شوند و در این راستا ارزش‌های فکری-فرهنگی سهم به‌سزایی دارند. پیشنهاد کاربردی مقاله توجه به مقوله عینیت، عقلانیت و مدیریت دانش بومی در تدوین محتوای دروس علوم انسانی است؛ زیرا بدون این اصل نمی‌توان در تدوین دروس علوم انسانی الگوی خاص بومی با حفظ اعتقادات دینی داشت و در عین حال دانش تولید شده در این حوزه قادر به پاسخ‌گویی در برابر انتقادات جامعه علمی باشد. **کلیدواژه‌ها:** محتوای دروس، علوم انسانی، علم دینی، عینیت علمی، مدیریت دانش.

مقدمه و طرح مسأله

مهمترین هدف آموزش انتقال مبانی و موضوعات درسی است در این راستا شیوه‌های متنوعی وجود دارد که لزوماً همه آنها علمی و کاربردی قلمداد نمی‌شود. از آنجا که آموزش همواره از طریق افراد منتقل می‌شود و از مفاهیم اغلب تعابیر متفاوتی ارائه می‌شود لذا وجود یک عنصر هماهنگ کننده که به مدیریت منابع درسی درحوزه آموزش بپردازد ضروری به نظر می‌رسد. در واقع همان طور که دستیابی به توسعه پایدار در هر برنامه ای نیازمند وجود یک بخش مدیریتی منسجم و همگون است که به شکل ساختمانندی وضعیت موجود را جهت رسیدن به موقعیت مطلوب تغییر دهد. بخش آموزشی به عنوان اساس و پایه اصلی سایر بخش‌ها نیازمند وجود چنین واحدی در درون خود است. بر اساس دیدگاههای سنتی مدیریت دانش و برنامه‌ریزی آموزشی بیشتر وجهی اقتصادی و فیزیکی داشت؛ اما در عصر حاضر برای توسعه، مدیران به امر آموزش سامان-مند توجه می‌کنند (رحمانپور، ۱۳۸۲، ۷۹).

در مقاله حاضر به منظور بررسی اهمیت طراحی دروس علوم انسانی به شکل بومی و حفظ اعتقادات دینی به سه مقوله کلیدی اعم از «عینیت علمی»، «عقلانیت» و «مدیریت دانش بومی» پرداخته شده است. بومی کردن علم فرایندی است که در کشورهای مختلف دنیا در حوزه علوم انسانی بر حسب ضرورت‌ها و اولویت‌های اجتماعی و فرهنگی سال‌ها پیش صورت گرفته است. در این کشورها طراحی محتوای دروس مبتنی بر یک